

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران

مدرسه علمیه الزهرا (س) ماهان

براهین اثبات وجود خدا از منظر نهج البلاغه

استاد راهنما

سرکارخانم صدیقه منتظر

محققین

زینب جهان پیم، اکرم میرزاخانی، فائزه درگزی، فاطمه خالقی، اسرا بابایی

پاییز ۹۶

عَلَامَةُ الْإِسْلَامِ

چکیده

تحقیق حاضر با موضوع اثبات وجود خدا از منظر نهج البلاغه در صدد است که به اثبات وجود خدا با استفاده از بیانات حضرت علی (علیه السلام) بپردازد و از مهم ترین راه ها برای اثبات وجود خدا راه فطرت، راه شبه فلسفی و راه عقلی است. از آنجا که نهج البلاغه پس از قرآن کریم ارزشمندترین کتاب هدایت و انسان سازی محسوب می شود و در جای جای آن انعکاس آیات آسمانی قرآن کریم مشهود است در این پژوهش با روش عقلی- نقلی (تحلیلی) به تبیین راه های اثبات وجود خدا از دیدگاه نهج البلاغه پرداخته است. برای رسیدن به اثبات وجود خدا از سه راه دل، طبیعت و عقل. نتایج حاصل از این تحقیق نشان می دهد که گاهی انسان به مجرد توجه به نظام عالم هستی، به حکم عقل فطری به وجود خدای متعال اعتقاد پیدا می کند و همچنین اساس خلقت موجودات و آفریده ها حاکی از آن است که عالم هستی مسخر یک موجود مافوق طبیعی است و از نظر عقلی و فلسفی نیز وجود خدا با واسطه اثبات می شود و آنچه که واسطه قرار می گیرد، یک سری اصول عقلی هستند که ضرورت وجود خدای متعال را اثبات می کنند.

واژگان کلیدی

اثبات- خدا- وجود- نهج البلاغه

دعوت پیامبران الهی در دو چیز خلاصه می شود: الف) عقایدی که حکم اساس و ریشه دین است. ب) دستورات عملی که متناسب با عقاید و برخاسته از آن ها می باشد. بنابراین کاملاً به جاست که بخش عقاید در هر دینی اصول و بخش احکام عملی و فروع آن دین نامیده شود چنانکه دانشمندان اسلامی این دو اصطلاح را در مورد عقاید و احکام اسلامی به کار برده اند. بحث وجود خدا از مباحث اعتقادی است که از اصول مشترک میان ادیان الهی است و از اصولی که خود انسان با تحقیق و جستجو باید به آن برسد و تقلید در آن ممکن نیست. بحث حاضر از ابتدا خلقت وجود داشته و پیامبران برای بیان این مطلب مبعوث شده اند. اما از زمان امام صادق (علیه السلام) اهمیت بیشتری پیدا کرده با توجه به این مطلب منابع روایی و حدیثی از جمله نهج البلاغه براهین بسیاری برای اثبات وجود خدا بیان شده است.

و از آنجایی که در کتب فلسفی متفاوتی به این پرداخته شده است، براهین عقلی بسیاری همچون برهان نظم، صدیقین، حدوث و ... می توانند در اثبات وجود خدا موثر باشند. و بررسی مطلب از راه تحلیلی توصیفی امکان پذیر است.

کلیات

تعریف و تبیین

علت همه معلول ها که خود معلول علی نباشد خدایی قابل پرستش است. این جهان معلول، علتش خالق عظیم و مدبر است که توانایی اداره بدون نقص آن را دارا می باشد. نهج البلاغه همان کتاب فصیح و بلیغی است که سخنان گوهر بار مولای متقیان حضرت علی (علیه السلام) در آن جمع آوری شده است و عناوین و موضوعات مختلف و فراوانی را شامل می شود. بررسی وجود خدا یکی از مباحثی می باشد که در نهج البلاغه بیان شده است، از آنجایی که مسأله اثبات وجود خدا از مباحث کلامی می باشد و در علوم مختلف روان شناسی و کلامی و حتی ریاضی از آن صحبت شده ، مقاله حاضر قصد دارد این بحث را از روش کلامی مورد بررسی قرار دهد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

این مسأله که آیا خدا وجود دارد یا نه یکی از مسائلی است که امروزه مخصوصا در جهان غرب مطرح می شود و چه بسا انکار می شود خدایی وجود دارد که اداره کننده جهان است و همین بحث حاکی از اهمیت بیان این مطلب می باشد تا وجود خدا ثابت گردد به خصوص در کلام حضرت علی (علیه السلام).

مساله تردید بسیاری از مردم با توجه به تبلیغات فرهنگی گسترده غرب نسبت به وجود خدا ایجاد کننده ضرورت بررسی این مطلب می باشد.

اهداف

هدف کلی: بررسی اثبات وجود خدا از منظر نهج البلاغه

هدف جزئی: بررسی براهین نقلی اثبات وجود خدا از منظر نهج البلاغه.

بررسی براهین عقلی اثبات وجود خدا از منظر نهج البلاغه.

پیشینه تحقیق

پیشینه تاریخی

در بسیاری از خطبه های حضرت امیر المومنین علی (علیه السلام) درباره خداشناسی آمده است ولی مبحث یا خطبه خاصی برای اثبات وجود خدا نیست چون مردم زمان حضرت علی (علیه السلام) به وجود خدا اعتقاد داشتند و آن را قبول داشتند ولی اعتقاداتشان نادرست و ضعیف بود که حضرت این خطبه ها و مباحث را بیان نموده اند.

- پس چون زمین خود را بگسترد و فرمان خویش روان کرد، از میان آفریدگان آدم را برگزید. (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۱؛ بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۳۸، ح ۱۵).

- پس چه کسی تو را به مکیدن شیر از پستان مادرت رهنمون گشت. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۳).

بنابراین از دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام ناظم همان آفریدگار همه موجودات است؛ یعنی هیچ مخلوقی، قادر به خلق چنین نظمی در موجودات عالم نیست.

برهان نظم با پاره ای از اشکالات و خدشه ها نیز روبه رو است، که همراه پاسخ آن ها، به شرح زیر است:

۱. مفهوم نظم، مفهوم روشنی نیست و انسان ها برداشت یکسانی از آن ندارند. گاه پدیده ای که برای کسی منظم به نظر می رسد، برای دیگری غیر از آن است. مثلاً تابلوی که برای بیننده ای منظم به نظر می رسد، برای دیگری بی نظم می نماید، (John Hospers. An Introduction to Philosophical Analysis, p. ۴۵۹) یا لکه های سیاهی که برای کسی منظم به نظر می رسد، برای دیگری منظم به نظر نمی رسد. (David Pailin, Groundwork of Philosophy of Religion p. ۱۶۸)

پاسخ: اولاً با توجه به اقسام مختلف نظم، یعنی نظم زیباشناختی، نظم علی، و نظم غایی، روشن است که پاره ای از نظم ها - مانند نظم غایی بی تردید وجود دارند. موجودات زنده نظیر انسان و جانوران مصادیقی از چنین نظمی اند که کسی در آن شک و شبهه ندارد، و مانند تابلو نقاشی نیست که به نظر کسی منظم و به نظر دیگری غیر منظم جلوه کند.

ثانیاً همه تابلوهای نقاشی چنین نیستند که به نظر بعضی منظم و در نگاه برخی دیگر غیر منظم بنمایند؛ بلکه تابلوهای نقاشی بر دو دسته اند: یک دسته از آن ها تابلوهایی است که همه در نظم و زیبایی آن متفقند؛ دسته دیگری نیز هست که مصداق دعوی پیش گفته است. ولی آیا می توان حکم یک قسم کوچکی از اقسام نظم را به بقیه سرایت داد؟

۲. هیوم می گوید:

«برهان نظم از برهان تشبیه و تمثیل بهره جسته است. یعنی انسان ها بر اثر تجربه آموخته اند که مصنوعات بشری نتیجه طرح و تدبیر ناظم است، پس موجودات طبیعی نیز از روی فکر و اندیشه ساخته شده اند؛ یعنی احتیاج به طراح و ناظم دارند. بنابراین از مماثلت و تشبیه بین مصنوعات بشری و موجودات طبیعی، چنین نتیجه ای گرفته شده است. حال آن که ما چنین تجربه ای از موجودات طبیعی نداریم. شاید آن ها بر اثر تولید مثل بیولوژیکی به وجود آمده اند.» (J.L. Mackie, The Miracle of Theism, Oxford, p. ۱۳۷)

پاسخ: پشتوانه این تشابه - بین مصنوعات انسانی و موجودات طبیعی صرف تمثیل نیست؛ بلکه پشتوانه واقعی سنخیت میان علت و معلول است؛ یعنی معلول خاص، باید علت خاصی داشته باشد و قابل استناد به هر علتی نیست. یک کتاب پیچیده ریاضی، محصول فکر یک ریاضی دان است، نه محصول اندیشه فردی بی سواد، یا غیر متخصص در آن فن. سنخیت، قاعده ای عقلی است که برای اثبات صحت آن نیازی به تجربه نیست؛ بلکه عقل با مشاهده یک طرف، طرف دیگر

را نتیجه می گیرد. مصنوعات بشری، مصداقی روشن از معلول منظم هستند و به حکم قاعده سنخیت، معلول منظم باید از علت عالم و فاعل حکیم و مدبر صادر شده باشد. همین قاعده سنخیت در باره طبیعت و پدیده های آن نیز صادق و جاری است؛ یعنی چون معلول منظم است، به حکم قاعده سنخیت باید علت آن حکیم و عالم باشد. بنابراین مصنوعات بشری و موجودات طبیعی دو مصداق برای قانون سنخیت هستند، نه دو طرف تشبیه و تمثیل. از این رو، مدافعان برهان نظم از صرف تمثیل استفاده نمی کنند.

اما چنین بینشی در تولید مثل قانع کننده نیست؛ زیرا تولید مثل عبارت است از تکثیر فرد دیگری از همان نوع. بنابراین پای موجود دیگری از همان نوع به میان می آید که در باره او نیز دقیقاً همان سؤال مطرح می شود. بنابراین این فرضیه که نظم در عالم، محصول طراحی ناظم حکیم و عالم جهان است، معقول ترین و قانع کننده ترین نظریه است.

۳. نظریه تکاملی داروین، جایگزینی برای تبیین توحیدی برهان نظم است. مطابق این نظریه، ساختارهای موجودات زنده امروزی، بر اثر یک فرایند طبیعی محض از موجودات ساده تر برآمده اند. در این نظریه، دو عامل نقش اساسی دارند:

- جهش ها یا موتاسیون ها؛

- ازدیاد نسل.

یعنی ما مجموعه ای از عوامل طبیعی محض خواهیم داشت که با عملکرد آنها، جهان زنده پیوسته سازگارتر می شود. (ر. ک: پل ادواردز، پیشین، ص ۷۹).

پاسخ: نظریه داروین نمی تواند تبیین کاملی از وجود نظام غایی در جهان ارائه دهد؛ بلکه صرفاً بیانگر آن است که توضیح دهد چگونه موجودات زنده پیچیده تر، از بعضی موجودات زنده ساده تر تکثیر شده اند؛ اما درباره منشا ساده ترین موجودات چیزی نمی گوید. بنابراین به تنهایی نمی تواند جایگزین تبیین توحیدی مسئله باشد.

افزون بر آن، که نظریات علمی، موضع فلسفی خاصی را القا نمی کنند؛ بلکه نسبت به مسائل فلسفی بی طرفند. دانشمندان فقط رابطه و تاثیر بین دو پدیده تجربه پذیر را می توانند بکاوند حوزه تجربی حق اظهارنظر ندارند. نهایت چیزی که آنان می توانند بگویند، این است که ما مشاهده می کنیم که موجودات زنده پیچیده تر از موجودات زنده ساده تر پدید آمده اند؛ اما نمی توانند آن را تنها توجیه و تبیین قلمداد کنند.

اگر کسی بگوید تنها توجیه و تبیین، همان است، یا این نظریه بهترین است، دیدگاهی فلسفی را اظهار کرده است که از حوزه علوم تجربی خارج است؛ زیرا معتقد شده است که تنها جهان قابل تصور همین حوزه تجربه است و هیچ عامل دیگری در این دخیل نیست. این مسئله ای نیست که بتوان به سهولت از نظریه داروین یا هر نظریه علمی دیگر بیرون کشید. پس نظریه داروین در مورد اثبات و انکار حوزه غیر تجربی حق اظهارنظر ندارد. این که روند تکامل نیاز به ناظم دارد، یا نه، امر دیگری است که باید جداگانه بررسی شود. همچنین در صورت صحت نظریه داروین، فرض ناظم الهی باطل نمی شود، زیرا طرفداران نظریه ناظم الهی، اگر تاکنون عقیده داشته اند که طرح های ناظم الهی، آنی و کوتاه مدت بوده است، حال می توانند بگویند که او جهان و موجودات پیچیده تر را بلندمدت آفریده است. و این طور نیست که با کم و

زیاد شدن زمان، اصل نیاز به ناظم از بین برود؛ همچنان که نمی توان گفت اگر یک طرح و پروژه ساختمانی یا یک دائرة المعارف بزرگ در مدت کوتاهی نوشته شود، احتیاج به طراح و نویسنده دارد، ولی دیگر نیازی به طراح و نویسنده ندارد.

۴. برهان حدوث

موجود حادث شده از نظر عقلی، نیازمند محدث و پدید آورنده است.

وقتی به جهان و پدیده های آن می نگریم، آثار و علائم حدوث را در آن می یابیم؛ بنابراین، جهان نیازمند پدید آورنده ای است که خود قدیم است و در نتیجه نیازمند پدید آورنده نیست.

از دیدگاه امام علی (علیه السلام) خداوند بر پدید آوردن مخلوقاتش وجود خویش و نیز قدیم بودنش را نشان می دهد: «با حدوث و آفرینش مخلوقات، ازلی و قدیم بودن خدا را ثابت کرده، و با آفرینش مخلوقات بر وجودش دلیل آورده است.» (نهج البلاغه، شهیدی، ۱۳۷۳، خطبه ۲۲۷)

۵. برهان معقولیت یا احتیاط عقلی

یکی از راه های اثبات وجود خدا، معقولیت اعتقاد به او است. زیرا آدمی را یکی از این دو راه در پیش است: اعتقاد به خدا، عدم اعتقاد به خدا. از سویی، هر یک از این دو لوازمی دارد. برای نمونه، کسی که به خداوند باورمند است، باید بپذیرد که: چون خداوند حکیم است، انسان و جهان را بیهوده نیافریده است؛ بلکه از آفرینش آن دو، مقصودی دارد که همانا هدایت انسان و رساندن او به کمال نهایی خویش است؛ از این رو پیامبران را برای هدایت او فرستاده است. همچنین پس از این جهان، جهان دیگری وجود دارد که در آن انسان ها کيفر و پاداش اعمال خود را می بینند. بدین سان اعتقاد به خدا با اعتقاد به نبوت و شریعت و معاد توأم می شود. در مقابل، عدم اعتقاد به خدا، لوازمی دیگر، غیر از آن چه گفته شد، دارد.

حال اگر اعتقاد به خدا و لوازم آن را - که سعادت ابدی را در پی دارد در نظر بگیریم و آن را با ناباوری به خدا و لوازم آن بسنجیم، اعتقاد به خدا و لوازم آن را معقول تر خواهیم یافت. زیرا در صورت صحت اعتقاد به خدا، ما از منافع بسیاری برخورداریم و از شقاوت ابدی اجتناب ورزیده ایم؛ اما اگر معلوم گردد که چنین اعتقادی، خرافه و ناصواب است، نیز ضرر و زیانی نکرده ایم. بنابراین معقول آن است که اعتقاد به خدا و لوازم آن را بپذیریم.

شبيه به این استدلال در کلمات امام علی علیه السلام آمده است؛ چنان که می فرماید:

زعم المنجم والطبيب كلاهما

ان لامعاد فقلت ذاك اليكما

ان صح قولكما فلسنت بخاسر

او صح قولی فالوبال علیکما (بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۷، ح ۹۲).

«منجم و طبیب هر دو می گویند که قیامتی وجود ندارد . به آنان می گویم: اگر قول و عقیده شما صحیح باشد، ما زانی نکرده ایم، و اگر قول و عقیده من صحیح باشد، شما از زیانکاران خواهید بود.»

نتیجه

راه های اثبات وجود خدا را می توان به سه قسمت فطرت، عقل، تجربه تقسیم کرد. فطرت همان راه دل می باشد و برای هر کسی ممکن است چرا که آدمی فطرتا خدا را در وجود خود درک می کند همچنان که در قرآن کریم آمده: وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ (اگر از آنان بپرسی که چه کسی آسمان ها و زمین را آفریده است هر آینه می گویند: خدا) (زمر-۳۸)

با راه تجربه می توان خدا را برای همه مخصوصا کسانی اثبات کرد که توجه و تعمق بیشتری نسبت به طبیعت و عالم پیرامون خود دارند و راه آخر، راه عقل است و تنها برای گروهی از مردم قابل استفاده است که آشنایی هر چند مختصر در این باره داشته باشند و با استفاده از هدایتی که در موجودات وجود دارد می توان خدا را اثبات کرد.

همه این راه ها را می توان از مفاهیم و معانی بلند سخنان امیرالمومنین علی (علیه السلام) در نهج البلاغه با تعبیر ژرف و عمیق مقتضی هر زمان یافت.

منابع

۱. شهید مطهری، مرتضی، اردیبهشت ۱۳۸۸، توحید، تهران، صدرا.
۲. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۹-۱۳۹۴، خداشناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف ۱).
۳. محمدرضائی، محمد، ۱۳۸۲، خدا از نگاه امام علی (ع)، تهران: بوستان کتاب
۴. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه و شرح نهایه الحکمه، مترجم و شارح: شیروانی علی، ناشر: دارالفکر، قم، ۱۳۸۷
۵. John Hospers، An Introduction to Philosophical Analysis, publisher-Routedge... نویسنده: John Hospers سال ۲۰۰۱
۶. نهج البلاغه
۷. قرآن
۸. بحار الانوار، الشیخ محمدباقر بن محمد تقی المجلسی، ناشر: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳ هـ، بیروت، شماره ۳۳، ص ۲۲۱
- ۹- الاصول من الکافی، تقه الاسلام أبی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق الکلینی الرازی، ناشر: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۹
- ۱۰- ابن بابویه، محمد بن علی؛ عیون اخبار الرضا؛ مترجم: محمد صالح بن محمد باقر قزوینی، ج ۱، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۹
- ۱۱- شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف، المطبعه الحیدریه.
- ۱۲- بل، ادواردز، براهین اثبات وجود خدا در فلسفه غرب، مترجمان، علیرضا جمالی نسب و محمد رضایی، تهران، دفتر تبلیغات اسلامی مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، ۱۳۷۱
- ۱۳- ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، مترجم علی اکبر میرزایی، قم، ۱۳۸۸.